

انسان‌شناسی چیست و چه سؤالاتی را در مورد انسان پاسخ می‌دهد؟

Mentazer Mentazer

انسان‌شناسی چیست و به چه کار می‌آید؟

انسان چیست و جزء کدام دسته از موجودات قرار می‌گیرد؟ همین سؤال به ظاهر ساده ذهن پیچیده‌اندیش بشر را قرن‌های متمادی به خود مشغول کرده است.

اگر موجودات عالم ماده را به سه دسته کلی جمادات، گیاهان و حیوانات تقسیم کنیم، انسان از جهاتی به همه این موجودات شباهت دارد، اما در عین حال با همه آن‌ها متفاوت است و همین موضوع کار طبقه‌بندی را کمی سخت می‌کند.

جسم بشر از حجم، وزن و اندازه برخوردار است و در نتیجه با جمادات اشتراک دارد. به علاوه جسم از نظر توانایی رشد و تولیدمثل شبیه به گیاهان است و از جهات بسیاری از جمله فیزیولوژی بدن، زندگی اجتماعی و برخورداری از شهوت و غضب به حیوانات شبیه است. با این اوصاف انسان را جزء کدام دسته قرار دهیم؟

بدیهی است که انسان شیء و گیاه نیست! پس دو گزینه اول خودبه‌خود حذف می‌شود و فقط یک گزینه باقی می‌ماند: حیوان! انسان از نظر ظاهری و برخی خصوصیات رفتاری به حیوانات شباهت بیشتری دارد و شاید همین موضوع سبب شده تا زیست‌شناسان بشر را در ردیف جانوران پستاندار قرار دهند. البته این موضوع فقط منحصر به دانش زیست‌شناسی نیست، بلکه بسیاری از فلاسفه قرون گذشته و عصر حاضر نیز انسان را نوعی حیوان می‌دانند و تنها بر سر این که وجه تمایز انسان با حیوانات در چیست اختلاف نظر دارند.

عبارات زیر نمونه‌های کوچکی از ده‌ها عبارت توصیفی اندیشمندان غربی دربارهٔ چیستی انسان است و همان‌طور که می‌بینید اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها انسان را نوعی حیوان می‌دانند:

- انسان حیوان ناطق است (ارسطو، فیلسوف یونانی)
- انسان حیوانی ناشناخته است (ویکتور فرانکل، روان‌پزشک اتریشی)

- انسان حیوانی خودشکوفا است (آبراهام مزلو، روان‌شناس آمریکایی)
- انسان حیوانی شگفت‌انگیز است (فرانسوا دورتیه، جامعه‌شناس فرانسوی)
- و...

شاید این سوال برایتان پیش آمده باشد که اصلاً چه اهمیتی دارد، که انسان را چگونه معنا کنیم و آیا او را در ردهٔ حیوانات قرار دهیم یا نه؟

به‌ظاهر اهمیت چندانی ندارد، اما اگر بدانیم همهٔ ساختارهای اجتماعی، نظام‌های تربیتی و قوانین مدنی در اغلب کشورها بر اساس پاسخ این سؤال شکل می‌گیرد، به این موضوع جدی‌تر نگاه می‌کنیم. اگر بگوئیم تمام خوشبختی و سعادت بشر در دنیا و آخرت وابسته به پاسخ همین سؤال است بی‌راه نگفته‌ایم.

در سلسله مقالات انسان‌شناسی که پیش روی شماست، به دنبال پاسخی درخور و قانع‌کننده برای این سؤالات چالش‌برانگیز هستیم که:

- انسان چه جور موجودی است؟
- وجه تمایز او با سایر موجودات در چیست؟
- سعادت و شقاوت او به کدام یک از ابعاد وجودش ارتباط دارد؟

انسان‌شناسی چیست؟

جهان پهناور هستی به دلیل پیچیدگی‌هایی که دارد، سؤالات فراوانی در ذهن افراد ایجاد می‌کند. از سؤالات ساده و ابتدایی گرفته تا پرسش‌های کلی مثل این که جهان چگونه به وجود آمده؟ فلسفهٔ خلقت انسان چیست؟ و ...

یافتن پاسخ هر پرسشی افراد را به نوعی شناخت از هستی می‌رساند. شناختی که علاوه بر لذت کشف، نیازهای روزمره آن‌ها را هم برطرف می‌کند. به همین دلیل هم شاخه‌های مختلفی در علوم به وجود آمده و همواره در حال گسترش‌اند. یکی از این شاخه‌ها علم «انسان‌شناسی» است، که هدف آن مطالعه انسان است؛ اما از آن‌جا که بشر موجودی تک‌بعدی نیست شناختن همه ابعاد وجود او در یک شاخه علمی امری ناممکن است.

با توجه به مطالب ذکر شده اگر بخواهیم تعریف ساده‌ای از انسان‌شناسی ارائه دهیم می‌توانیم بگوئیم:

«هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان یا ابعادی از وجود او یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد، می‌توان انسان‌شناسی نامید».^[1]

انسان‌شناسی گونه‌های مختلفی دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی بر اساس «نوع نگرش» می‌توان آن را به انسان‌شناسی کلان و انسان‌شناسی جزءنگر تقسیم کرد.

انسان‌شناسی کل‌نگر و جزءنگر

پرسش‌های مربوط به انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

- گروه اول موضوعاتی هستند، که کلیت انسان را در نظر دارند و سؤالاتی اساسی و محوری درباره او مطرح می‌کنند. مانند این‌که: انسان چگونه خلق شده؟ آیا علاوه بر جسم ابعاد دیگری هم دارد؟ فلسفه حیات او چیست؟ سرنوشتش پس از مرگ چه می‌شود؟ و...

انسان‌شناسی در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، 1392. 1.

- نوع دوم سؤالات در مقایسه با گروه اول جزئی‌ترند و فقط به جنبه‌های خاص و معینی از انسان نظر دارند؛ مثل سؤالاتی که برای یک جامعه‌شناس و یا یک روان‌شناس مطرح می‌شود.^{۱۲}

انواع انسان‌شناسی با تکیه بر روش‌ها

گونه دیگری از تقسیم‌بندی انسان‌شناسی بر اساس روش‌هایی است که برای شناخت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند. از

این جهت انواع انسان‌شناسی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شود:

- انسان‌شناسی تجربی یا علمی

- انسان‌شناسی عرفانی

- انسان‌شناسی فلسفی

- انسان‌شناسی دینی

درباره این روش‌ها در مقالات بعدی به تفصیل صحبت خواهیم کرد و هم‌چنین توضیح می‌دهیم که آن‌چه امروزه و به‌ویژه در جوامع غربی به‌عنوان علم انسان‌شناسی مورد توجه است، با آن‌چه ما در این مجموعه مقالات در پی شرح و توضیح آن هستیم تفاوت دارد.

برای آن‌که دیدگاه جامعی درباره این موضوع داشته باشید، توصیه می‌کنیم مباحث را به‌صورت کامل دنبال کنید.

در پایان از شما دعوت می‌کنیم اگر پیشنهاد، انتقاد یا نقطه نظری درباره نوشتار حاضر دارید در بخش نظرات با ما در میان بگذارید.